

5 یحیی بر او شهادت می‌داد و ندا می‌کرد که «این است کسی که درباره‌اش گفتم: "آن که پس از من می‌آید بر من برتری یافته، زیرا پیش از من وجود داشته است» 16. «از پُری او ما همه بهره‌مند شدیم، فیض از پی فیض " 17 زیرا شریعت به واسطه موسی داده شد؛ فیض و راستی به واسطه عیسی مسیح آمد 18. هیچ‌کس هرگز خدا را ندیده است. اما آن پسر یگانه که در آغوش پدر است، همان او را شناسانید.



یحیی تعمید دهنده تمام تلاشش را کرد! می‌خواست اراده خدا را به طور کامل انجام دهد. بنابراین او نه تنها قوانین موسی را روز و شب می‌خواند، بلکه سعی می‌کرد آنها را به دقت رعایت کند. با این حال او فساد زیادی را در همه جا می‌دید. در عقل خودش و هم در دیگران. فساد و ریاکاری او را مُنرَجِر می‌کرد. شاید برای همین دلیل به صحرا رفت تا از شر این چیزها دور شود. اما صدای او هم از صحرا بیرون می‌آمد و مردم را به صحرا جذب می‌کرد. بسیاری دنبال او به صحرا می‌رفتند. و سپس آنها فقط یک پیام را بارها و بارها می‌شنیدند: «توبه کن! زیرا ملکوت خدا نزدیک است!» اما مواظب یحیی انطور به ختم نرسید. یحیی تنها کسی بود که می‌توانست درک کند که علت ریاکاری با همان شریعتی که او برای مردم موعظه می‌کرد، ارتباط داشت. او بارها و بارها می‌توانست با چشمان نبوی مشاهده کند چگونه مردم زندگی پارسایی را تظاهر می‌کردند یا فقط در زندگی عمومی قوانین را رعایت می‌کردند در حالی که خدا را در زندگی خصوصی نادیده می‌گرفتند. مردم حتی خود قانون را مورد سوء استفاده قرار می‌دادند تا دین‌داری را تظاهر کنند. تظاهر کردن آسان بود اما خدا می‌توانست به قلب انسان نگاه کند. و به همین دلیل یحیی می‌دانست که چیز جدیدی باید بیاید. قانون دیگر نمی‌توانست کمک کند تا مردم پاک شوند زیرا انسانها شرور بودند. همه چیز باید جدید می‌شد. و این مسئله جدید را می‌توان با یک نام خلاصه کرد: «عیسی مسیح» بلافاصله، یحیی بیشتر درک کرد که تمام مأموریت او در این عیسی به نقطه عطف می‌رسد. او فهمید که واقعاً فقط برای معرفی کردن این عیسی آمده است. این عیسی که قبل از او بود و بعد از او خواهد آمد. انجیل یوحنا، در مورد این یحیی تعمید دهنده گزارش داده بود که عیسی را معرفی کرد. اما انجیل یوحنا همان کار یحیی را ادامه می‌داد و عیسی را معرفی می‌کرد. یوحنا این کار را در اولین آیات انجیل خود به درستی انجام داد، زیرا در این کلمات نام عیسی برای اولین بار ظاهر شد. نام عیسی به طور کلی برای انجیل در اهمیت است. نام عیسی هنوز هم در هر یک از زندگی مسیحیان در اهمیت است. امروز همه ما نام عیسی مسیح را داریم. ما به نام او تعمید یافته ایم و بنابراین به نام او نامگذاری شده ایم. همانطور که او را مسیح می‌نامیدند، اکنون ما را مسیحی می‌نامند! اما نه تنها نام ما از عیسی آمده است، بلکه هویت ما نیز از او ناشی می‌شود. به همین دلیل اولین کلمه ای که در مورد فرزندان تازه متولد شده گفته می‌شود، این است: «مسیح». وقتی فرزندان نوزاده خود را تعمید می‌دهیم، همین نام عیسی را استفاده می‌کنیم. نام عیسی مسیح نیز آخرین کلمه امیدی است که قبل از مرگ به زبان می‌آوریم. وقتی به بهشت می‌رویم همچنین اولین کلمه ای است که در آنجا می‌شنویم. «عیسی مسیح! «عیسی مسیح، تو کیستی؟ و برای من چه معنی داری؟" یوحنا در انجیل خود توضیح می‌دهد عیسی کیست و می‌گوید:

خدا به طور کامل در مسیح است

او مجسم شد..

و این کار را برای ما انجام داد!

پس خدا برای ما مجسم شده است!

اکنون می‌خواهیم دقیقتر به آن ۳ جمله نگاه کنیم:

۱. خدا به طور کامل در مسیح است. وقتی به زندگی ام نگاه می‌کنم، یک چیز را با اطمینان می‌دانم: و این است که من هیچ چیزی در مورد خدا درک نمی‌کنم. و همانطور که من در مورد خدا چیزی نمی‌دانم، برای رسیدن به خدا نیز نمی‌توانم کاری انجام دهم. این کار غیرممکن است. خدا خیلی بزرگتر از من است که با زندگی کوچکم بتوانم او را درک کنم. من بارها و بارها در میان شاعران فارسی زبان به همین جمله برمی‌خورم. مثلاً غزل ۱ از حافظ.

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها

الا یا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها

ز تابِ جعدِ مشکینش چه خون افتاد در دل‌ها

به بوی نافه‌ای کاخر صبا زان طره بگشاید

تفسیر کوچک غزل اول: (کاسه نماد از بهشت است. حافظ اغلب عشق را به صورت عرفانی می‌دید و به رابطه خدا و انسان اشاره می‌کرد. باد صبح حامل اسرار خداست. طره بگشاید نمادی از رمز است که کسی نمی‌تواند آن را درک کند. به این دلیل در غزل ۱ حافظ اسرار خدا را نشان می‌دهد که انسان‌ها نمی‌توانند آن را درک کنند)

مارتین لوتر نیز این را تأیید می‌کرد و با مثال در تفسیر ایمان نامه رسولان می‌گوید: «من ایمان دارم که من با خرد و یا با قدرت خودم نمی‌توانم به عیسی خدای من، ایمان داشته باشم و یا به سوی او بروم.» همراه با حافظ، مارتین لوتر و یاحیی تعمید دهنده، ما باید ناتوانی مان را در برابر خدا درک کنیم. حتی اگر بتوانیم در زندگی به موفقیت‌های زیادی دست یابیم، ما نمی‌توانیم هیچ چیزی در مورد خدا بفهمیم و نمی‌توانیم چیزی را برای او انجام دهیم. پس در پیشگاه خدا با دست خالی می‌ایستیم. و با این حال ما ناامید نمی‌مانیم. ما ناامید نمی‌مانیم زیرا کسی هست که به طور کامل الوهیت دارد. این عیسی است. و چه معجزه ای است! عیسی نه تنها دور دست نیست بلکه او نزد ما می‌آید! الوهیت کمال به ما می‌رسد. کسی که هیچ وقت به افکار انسان وارد نمی‌شود، خودش انسان شد!

۲. و نکته شگفت‌انگیز این است که عیسی مجسم شد. او هم مثل ما انسان شد. او توسط مریم و یوسف بزرگ شد. یوحنا و سایر شاگردان می‌توانستند او را ببینند و با او صحبت کنند. و چون او را می‌دیدند، می‌توانستند ببینند که خدا کیست. عیسی خدا را از طریق کلام خود و از طریق اعمال خود مکاشفه می‌کرد. و به همین دلیل است که یحیی تعمید دهنده در نهایت می‌گوید: «او خودش است! خدا در او حضور دارد!» در عیسی مسیح تمام تلاش‌های ناامیدانه ما برای رسیدن به خدا متوقف می‌شوند. در عیسی می‌بینم که خدا با من است. حتی اگر راه رسیدن به خدا بی‌پایان به نظر برسد. حتی اگر با ذهنم نتوانم خدا را درک کنم یا مجبور باشم از راه قوانین او را به دست بیاورم. در عیسی می‌دانم که دیگر لازم نیست خدا را جستجو کنم. دلیلش این است که خدا من را پیدا کرده است. خدا به زندگی من می‌آید! می‌فهمم که خدا با من حرف می‌زند. در واقع من آنقدر با او صمیمی هستم که می‌توانم عضوی از خانواده او باشم. در غسل تعمید، در خانواده او تعمید می‌گیرم. اسمش را می‌گیرم و من به او تعلق دارم. من مسیحی هستم.

۳. و از آنجایی که من به مسیح تعلق دارم، ناگهان متوجه می‌شوم فیض خدا به چه معناست. من متوجه می‌شوم که عیسی نه تنها آمده، بلکه برای من آمده! من می‌توانم خود او را در زندگی ام تجربه کنم. من می‌توانم آزاد باشم! بنابراین دیگر مهم نیست چگونه در مقابل دیگران به نظر می‌رسم یا آنها در مورد من چه چیزی فکری می‌کنند. من هم از نفرت و ترس هایم رها می‌شوم. می‌توانم از مشکلات زیادم آزاد باشم! می‌توانم با خدا صحبت کنم! نه به دلیل این که آدم خوبی هستم یا به این دلیل که به چیزی مهم دست یافته‌ام. من فقط فیض را دریافت می‌کنم زیرا عیسی آمده است. من متوجه می‌شوم که لطف فقط یک چیز یا یک احساس نیست، بلکه یک شخص است. عیسی همین فیض خدا است! و با توجه به آن عیسی، می‌توانم این عیسی را به دیگران نیز منتقل کنم. حتی در جایی که مردم ناامید هستند یا اشتباه می‌کنند. من می‌توانم به آنها بگویم: عیسی نیز مانند شما آمده. هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند شما را از مسیحی شدن، مسیحی بودن و مسیحی باقی ماندن باز دارد. به این دلیل که عیسی آمده است! آمین